

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

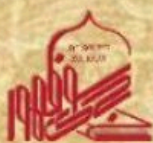
عنوان:

توحید متصوّفہ

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی

آلہ صومعہ، جیل راولپنڈی، لاہور



@MAHDISM_12



@seratehaghi

در کتاب الله شناسی، مال مرحوم علامه آسید
محمد حسین حسینی طهرانی، ایشون این بحث و مطرح
می‌کنه. يك تقسیم بندی داره که حالا من فقط اشاره
بکنم متن رو می‌ذارم برای جلسات بعد. چون وقت
می‌گیره بخوام توضیح بدم. ایشون میاد تقسیم بندی
می‌کنه توحید و به چهار دسته؛ در صفحه‌ی ۲۱۹
می‌فرمایند؛ مرحوم آیت الله حاج سید محسن حکیم
طباطبایی در تعلیقه‌ی خود بر این فتوای مرحوم سید
محمد کاظم یزدی مرقوم داشته‌اند که اما قاعلین به
وحدت وجود را از صوفیه جماعتی ذکر نموده‌اند که
از زمره‌ی آنان است. سبزواری در تعلیقه‌ی خود بر
اسفار او چنین توضیح داده. حالا می‌خواد این صوفیه را
ایشون اشاره می‌کنه به مطلب ملا هادی سبزواری در
منظومه.

ملا هادی سبزواری چه دسته بندی کرده قاعلین به توحید
چهار دسته‌اند؛ ملا هادی گفته: یا معتقدند به کثرت وجود
و کثرت موجود، جمیعا با تکلم به کلمه توحید بر زبانشان و
اعتقاد بدان اجمالا و بیشترین مردم در این مقام هستند.
یا معتقدند به وحدت وجود و وحدت موجود، هردوتا و این
مذهب بعضی از صوفیه است همین که الان می‌خوام بگم.
و یا معتقدند به وحدت وجود و کثرت موجود،
و این قول منصوب، به اذواق المتألهین محقق دوّانی، و عکس
این باطل می‌باشد. و یا معتقدند به وحدت وجود و موجود
در عین کثرت آن دو، کثرت هم کثرت حقیقی می‌دوند و این
از مذهب مصنف، یعنی ملا هادی سبزواری، ملا صدرای
شیرازی و عرفای شامخین. قسم اول توحید عوام ایشان می‌گه!
و قسم دوم توحی خواصه و قسم سوم توحید خاص الخااصه و
قسم چهارم توحید اخص الخوااصه. این بود گفتار سبزواری در
تعلیق. تا این جا در تعلیق آورده.

در این جا مرحوم معلق آیت الله حکیم فرموده‌اند: حسن
ظن به معتقدین به توحید خاص که بعضی از صوفیه باشند
و حمل بر صحت که در شرع بدان امر شده‌ایم،
این دوتا باعث می‌شود که ما گفتار این جماعت را بر
خلاف ظاهرش حمل نماییم. و گرنه چگونه صحیح است
بنابراین اقوال وجود خالق و مخلوق عامر و مأمور راحم و
مرحوم.

مرحوم حکیم گفته: که این حرفایی که این‌ها زدن آگه ما
جور دیگه بخواییم و همین جور که گفتن ظاهرش رو معنی
بکنیم خب اصلا خالق و مخلوق دیگه نیست ،

کی، کی را امر می‌خواد بکنه؟ خدا؟!!

خیلی خب مأمورش کیه؟

عامرش کیه؟

یکی شد که!

وقتی اینطور بشه خب امر و نهی معنی نداره، امتحان دیگه
معنی نداره، وقتی وجود ما وجود خدا باشه کی از کی می‌خواد
امتحان بگیره؟ بعد کی مجبوره، کی مختاره؟

جبر و اختیار معنا نداره؛ جبر و اختیار معنا نداره يك وجود
هست. بعد بهشت و جهنم معنا نداره، هیچ کدوم از این‌ها
بی معنا می‌شه بعد ارسال رسل، انزال کتب، مثلاً وجود اون بیاد
وجود شمر رو هدایت بکنه، کتاب آسمانی که وجود اوست.
یعنی چی این‌ها؟ آقای حکیم گفته: اگه بخوایم این‌طوری معنی
بکنیم هیچی باقی نمی‌مونه.

ایشان می‌فرمایند: نکته‌ی اول کلام سبزواری که بهترین
گفتار از اقوال اربعه را قول وحدت وجود و وحدت
موجود در عین کثرت آن دو شمرده است و آن را توحید
اخص الخواص نامگذاری نموده. در این‌جا يك سؤال
پیش میاد و آن این است که کثرتی را که در این‌جا ذکر
می‌کنید آیا اعتباریه یا حقیقی؟

می‌گه شما که ملاصدرا یا ملاهادی سبزواری و عرفای شامخین، این کثرت يك وجود و ... این کثرت مجازی یا حقیقی؟ اگر پاسخ دهند اعتباریه؛ خب اگه اعتباری باشه حقیقی نباشه می‌شه قول دوم قول صوفیه. این همان قول دوم یعنی توحید بعضی از صوفیه، که آن را توحید الخاص نام‌گذارن تمام صوفیه‌ای که ایشان مد نظر دارن هم و غمشان اثبات همین کثرت اعتباری‌ست نه انکار اصل کثرت گر چه به نحو اعتباری باشه اصل کثرت را انکار نمی‌کنن. ولی اعتباری می‌دونن مثل چی؟ مثل مطلبی که جناب لاهیجی آورده. این وحدت وجود و موجود.

شما در میان جمیع فرَق، يك نفر را نشان بدید که حتی کثرت اعتباریه وجود و موجود را منتفی بشه! و اگر کسی چنین توفح یعنی سخن بگه توفح نماید او را از زمره‌ی عقلا خارج نمایند. و گفتارش در ردیف دیگران عنوان ننمایند.

می‌گه هیچ کس کثرت را انکار نکرده منتها اگر انکار کنه عاقل نیست منتها کثرت رو کثرت حقیقی نمی‌دونیم.

کثرت اعتباری می‌دونیم.

اما اون کسانی که به عنوان قول سبزواری و ملاصدرای
شما کثرت رو حقیقی دانستیم. می‌گه اگه اعتباری بدونیم
که همون حرفای صوفیه. و اگر پاسخ دهند کثرت حقیقی
است همان طور که همین طور هم هست و خودشان
تصریح کرده‌اند که کثرت حقیقیه و در مکاتبات بین
علمین، آیتین مرحوم آیت الحق و سندالتوحید والعرفان
حاج سید احمد طهرانی کربلایی و محقق مدقق حکیم
و فیلسوف مرحوم آشیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی به
خوبی مشهوده و بلکه نزاع بر سر همین است و بس.
که آیت الله کمپانی اصرار بر اثبات وحدت و کثرت
حقیقی داره.

يك كتابي توحيد علمي و عيني، كه اون مناظره‌اي كه مكتوباتي
بين آقاي كربلايي و آقاي كمپاني اونجا آورده كتاب خوبيه كه
نظرات دو طرف را آورده.

و آيت الله كربلايي پرو پاى آن را مى‌زند، يعنى پرو پاى آقاي
كمپاني را مى‌زنه، و خاكسترش را باد فنا ميده! و روشن مى‌سازد
كه با وجود وحدت حقه‌ي حقيقيه و وجود بصرافه اصلا تعدد
حقيقي معنا نداره. و كثرت حقيقي را در بيغوله‌هاي جهنم و
زوايای آتش شرك بايد جست، اگر در كثرت را حقيقي بدوني
مشركي.

يعنى چي؟ يعنى نگاه آقاي كمپاني و عموم كه نگاه مى‌كنيم
مسلمين نگاه شرك آميزه.

نه در بهشت توحید و معرفت که در آنجا شائبه‌ای از کثرت
موجود نیست بنابراین همان اشکال واضح و روشن فوراً در
برابر ما جلوه می‌کند که عقلاً وحدت واقعیه و کثرت واقعیه
نمی‌تواند جمع شوند، یعنی حرف ملاحظه‌ها حرف بیخودی زده!
ملاحظه‌ها هم حرف بیخودی زده! وحدت با کثرت متضادین،
متناقضین هستند. مفهوم وحدت با مفهوم کثرت ضدین و
نقیضین هستند آنگاه چگونه امکان دارد در جایی که وحدت
را حقیقی فرض کردیم کثرت را نیز حقیقی بدانیم! بر این
اساس قول ذول المتألهین که وحدت وجود و کثرت موجود
حقیقی است با قول صدر المتألهین که وحدت وجود و وحدت
موجود در عین کثرت آن دو هر دو حقیقی هستند را باید کنار
بگذاریم.

یعنی هیچی دیگه در عرفان مطرح می‌شه یعنی حرفای ملاصدرا
را باید کنار بذاریم و پس از غیرقابل قبول بودن قسم اول
ناچاریم که آن چه را که بعضی از صوفیه نقل کرده‌اند و آن را
توحید خاص گفته‌اند وحدت وجود و وحدت موجود حقیقه با
کثرت وجود و کثرت موجود اعتباریه می‌باشد. و عالی‌ترین
اقسام توحید و میزان و شاخص قرار دهیم. پس ببینید این‌جا
می‌خوام بگم يك تقریری شد که جناب علامه طهرانی هم
تقریر صوفیه همین کشفی که جناب لاهیجی داشته و شیخ
محمود شبستری داشته و نیز ابن عربی داشته، تمام این‌ها را
که مطرح می‌کنن در ارتباط با این وحدت وجود و موجود در
این که کثرت، کثرت اعتباریه کثرت حقیقی در خارج مطرح
نیست چون يك وجود غیراز وجود پروردگار نیست و آن‌های
دیگه را باطل...

حالا این مطالب درسته یا نادرسته عدله و مسائلی داره
که این آقایون که فرمودن که این جا جای عقل نیست و
اما بالاخره ما عقل رو کنار نمی گذاریم با همین عقل در
جای خودش مورد ارزیابی قرار میدیم. که آیا این تفکر با
اصل دین و اصل وجدان و اصول برهانی و عقلانی سازگاره یا
خیر؟!